

## دین ستیزی حکام آذری، تداعی کننده جنایات شوروی کمونیست

سرویس آذربایجان / خبرگزاری آران  
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :

ولی جباری (کارشناس ارشد جامعه شناسی شیعیان)

این روزها، خبرهای شگفت آوری از جمهوری مسلمان نشین آذربایجان منتشر می شود. بنا بر اعلام مطبوعات و رسانه های این کشور، در شهر باکو، چند مسجد به دست مأموران حکومت تخریب و شماری نیز با زور مأموران حکومت بسته شده است و مسئولان حکومتی از مقدمات تخریب چند مسجد دیگر نیز خبر داده اند. آنان اعلام کرده اند، مساجدی که بدون مجوز دولت در دو هفته گذشته ساخته شده اند، تخریب خواهند شد. به عبارت دیگر، هیچ مسجد و یا اماکن مذهبی به صرف این که تحت نظارت حکومت نیست، باید از بین برده شود و این در حالی است که مردم مسلمان این کشور، به شدت از کمبود مسجد برای برگزاری مراسم های دینی و تعظیم شعائر اسلامی رنج می برند و از آموزش های دینی محروم هستند.

از سوی دیگر، در چند ماه گذشته، قانونی به تصویب مجلس فرمایشی و ابلاغ حکومت این کشور رسید که هدف آن، کنترل کامل امورات دینی در جمهوری آذربایجان است و بنا بر مفاد آن، همه گروه ها و جمعیت های دینی باید تحت نظارت حکومت درآیند که البته به دلیل نبود کنترل بر این جمعیت ها، باید بار دیگر مجوز رسمی فعالیت بگیرند، چرا که در غیر این صورت، غیرقانونی بوده و باید تعطیل شوند (تا آن که مورد تأیید حکومت است، مجوز بگیرد و آنچه مخالف ایده ها و اهداف حکومت باشد، منحل شود) و هیچ تحصیل کرده دینی خارجی نمی تواند فعالیت و تبلیغ دینی داشته باشد (غافل از این که مسئولان امور دینی این کشور، از جمله الله شکر پاشازاده و آقای سلمان، رئیس و معاون اداره روحانیون این کشور در بیرون از جمهوری آذربایجان تحصیل دینی کرده اند) و هیچ مدرسه دینی نیز نباید بدون نظارت و خط دهی حکومت فعالیت کند).

ناگفته نماند که اینها همه در حالی است که ممنوعیت ها و محدودیت ها برای بانوان محجبه همچنان بیشتر می شود؛ یک بانوی مسلمان محجبه آذری به آسانی نمی تواند وارد مراکز عملی و دانشگاهی و مدارس تحصیلی شود. یک زن مسلمان محجبه، نمی تواند پاسپورتنی داشته باشد که تصویر با حجاب در آن الصاق شود. او نمی تواند شغل دولتی داشته و به راحتی در صحنه های سیاسی - اجتماعی کشور حضور داشته باشد (البته باید یادآوری کرد که بر خلاف خواسته عوامل ضد دین، همه روزه، شاهد گسترش روزافزون بانوان محجبه در این کشور هستیم).

دین ستیزی حکومت به چند مورد نامبرده خلاصه نمی شود؛ یک روز اذان گفتن و پخش آن از مساجد و مأذنه ها ممنوع می شود؛ روز دیگر، حرف متحدالشکل کردن مبلغان دینی مطرح می شود تا همچون ترکیه عمل شود؛ یک روز به خانه های دینداران حمله ور می شوند که از دور، پنداشته می شود شاید با یک گروه تروریستی مبارزه می شود، ولی وقتی پیگیر موضوع می شوید، درمی یابید که چند جوان و نوجوان به دنبال فراگیری علوم دینی هستند؛ کتاب های دینی جمع آوری می شود و به گونه ای با نگهداری کنندگان کتاب های دینی برخورد می شود که انگار با مافیای مواد مخدر روبه رو شده اند و در مقابل، کتب ضاله به آسانی تولید و توزیع کنندگان می شود. وهابیون، بهابیت، مسیونرهای مسیحی، نورچی های ترکیه، کریشناهای هندی و ده ها مذهب الحادی و انحرافی به راحتی برای خود اماکن مذهبی ساخته و در آن تبلیغ می کنند و اعتقادات مردم را به سخره می گیرند، اما مسلمان و شیعیان این کشور، نمی توانند آیین های مذهبی خود را فرا گیرند و مراسم اسلامی را برگزار کنند. نیروهای خارجی که مرتبا اخباری از توطئه های آنها پخش می شود، دوست معرفی می شوند و در مقابل پرسش متدینان آزادی دینی مطرح می شود؛ اما شیعیانی که بیش از 80 درصد از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، نمی توانند فعالیت دینی کنند.

رسانه های تصویری و مطبوعات این کشور ضد اخلاقیات را به بدترین شکل ممکن ترویج و تبلیغ می کنند و عداوت امیر بر مبنای دینی می تازند. غیرت ملی و اسلامی و تاریخی مردم زیر سؤال می رود و به جای صهیونیسم، ایران اسلامی دشمن معرفی می شود.

راستی، علت این همه تکاپو برای دین ستیزی چیست؟ مگر دینداران چه کرده اند که حکومت جمهوری آذربایجان آن گونه با آنان برخورد می کند که دقیقا بر پایه رفتار کمونیست های سابق و صهیونیسم اشغالگر در زمین های فلسطین است. به باور ما، رویکرد رو به رشد اقشار گوناگون مردم به ویژه قشر نوجوان و جوان جمهوری آذربایجان به مسأله دینی و حضور انبوه نمازگزاران و متدینان در مساجد این کشور، عناصر ضد دین و آنهايي که منافع خود را در خطر دیده اند، به هراس انداخته است؛ مردمی که با حضور این همه اقدامات ضد دینی و ضد اخلاقی، روز به روز بر حضور خود در صحنه دینی و فرهنگ اسلامی به ویژه در مساجد می افزایند و شعائر دینی را در رأس فعالیت های خود قرار می دهند. مردم اسلام را جایگزین ملحدین کمونیستی و منحرفان غربی می کنند و موافق با فطرت خود در صدد احیای دینی هستند.

به تازگی در برخی از مطبوعات این کشور، مطالبی منتشر شده است که هدایت اروج اف، رئیس کمیته امور دینی این کشور، در جمع ده ها نفر از افسران این کشور، خواستار برچیده شدن انجام واجبات و مراسم دینی و نمازخانه ها در ارتش

می شود که شماری از افسران ارتش در اعتراض خود اعلام می دارند: ما که برای آموزش نظامی به ترکیه رهسپار شده بودیم، آشکارا دیده ایم که سربازان و افسران آنجا به راحتی نماز می خواندند، روزه می گرفتند و مراسم دینی را به جای می آوردند.

مگر ترکیه الگوی ما نیست؟ مگر ما مسلمان نیستیم؟

در این باره، هدایت اروج اف در پاسخ وی می گوید: نباید این اتفاق در ارتش جمهوری آذربایجان بیفتد؛ حتی ما که در کمیته امور دینی هستیم، نمازخانه نداریم. ما حتی نمازخوان نداریم و شما افسران ارتش نیز باید ارتش را از مسائل دینی دور نگه دارید.

این اظهارات عمق دشمنی با دین را نشان می دهد. وقتی اداره ای که امورات دینی کشور را بر عهده دارد، با چنین وضعیتی روبه رو باشد، باید حدیث مفصل از این خرمن خواند؛ اما آنچه از مشاهدات محققان و اظهارات مردم می بینیم و آنچه از حضور چشمگیر و باشکوه مردم در مساجد دیده می شود و آنچه از شوق و شور مردم در عزیمت برای زیارت اماکن مقدسه و قبور ائمه (ع) در مکه و مدینه و عتبات و ایران دیده می شود، نشان از بی توجهی مردم به این دین ستیزی هاست.

حکومت کمونیست ها در هفتاد سال دیکتاتوری خود، مساجد را تخریب و مسلمانان را سرکوب کرد، اما هیچ گاه نتوانست معتقدات مردم را از آنان بگیرد. آنان در تاریخ روسیه ماندند، اما دین به زندگی خود ادامه داد و لازم است به نیروهای ضد دین در این کشور یادآوری شود، به جای این که در برابر سیل دین گرایی مردم بایستند، به دین خدا درآیند، وگرنه سیل مردمی آنان را غرق خواهد کرد.

پایان پیام.